



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائل اعتقادی که در طول تاریخ همواره در نظر مسلمانان برجسته بوده، ولایت حضرت علی (ع) بوده است که شیعیان برای اثبات رهبری و امامت آن حضرت به آیات و روایات متعددی استناد کرده‌اند؛ یکی از مهم‌ترین آیات، آیه ولایت است: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵).^۱ که دلالت بر ولایت و جانشینی بلافضل امیرالمؤمنین (ع) دارد استناد به این آیه برای ولایت امام علی (ع) به زمان خود حضرت برمی‌گردد (حویزی، بی‌تا: ۶۴۴/۱-۶۴۵) و پس از آن سایر مفسران و مورخان شیعی در کتاب‌های خویش از این آیه برای اثبات ولایت امام علی (ع) استفاده کرده‌اند (مفید، ۱۴۱۴: ۱/۱۸۲؛ طوسی، بی‌تا: ۵۵۸/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۷؛ حلی ۱۴۰۷: ۳۶۸). با وجود این که مفسران و متکلمان امامیه معتقدند که آیه مذکور در شأن حضرت علی (ع) نازل شده است؛ اما برخی از مفسران و محدثان اهل سنت چنین اعتقادی ندارند و شبهاتی بر روی کرد تفسیری شیعه وارد کرده‌اند؛ یکی از این مفسران آلوسی است که قائل است اگر قول شیعه در تفسیر این آیه را بپذیریم لازمه آن نفی امامت دیگران (ابوبکر، عمر و عثمان) و همچنین نفی امامت امام حسن و امام حسین (ع) و سایر ائمه است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۴۴). پژوهش حاضر با بررسی مفهوم ولایت، تبیین شأن نزول، نقش «إِنَّمَا» در آیه و تحلیل و بررسی معنای «رکوع» از منظر مفسران، به ارزیابی و نقد شبهات آلوسی پرداخته و از رهگذر بررسی تطبیقی دیدگاه آلوسی و طبرسی ولایت و امامت امام علی (ع) را اثبات کرده است.

۱. ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند.

۲- پیشینه پژوهش

درباره آیه ولایت، پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

- ابراهیمی راد (۱۳۸۶)، در مقاله «نقد شبهه آلوسی بر امامت ائمه در آیه ولایت»، کوشیده است که به صورت کامل و مبسوط به اشکال آلوسی در زمینه اثبات امام علی (ع) پاسخ دهد. نیز، کلانتری و عبدالله‌پور (۱۳۹۵)، در مقاله «بررسی تطبیقی آیه ولایت در تفاسیر فریقین»، دو واژه «ولی» و «الذین امنوا» را از نگاه شیعه و سنی بررسی کرده و با روشی تحلیلی به اثبات دیدگاه مفسران شیعه پرداخته‌اند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با نام «واکاوی تفسیری آیه ولایت از منظر فریقین»، ضمن تحلیل اقوال مفسران فریقین، در پی معناشناسی قرآنی واژه «ولی» و مصداق «الذین امنوا» هستند. نتیجه پژوهش اثبات صحت دیدگاه شیعه است؛ یعنی «ولی» به معنای ولایت و سرپرستی و مصداق «الذین آمنوا» امیرالمؤمنین (ع) است.

طیب‌حسینی (۱۳۹۷)، نیز در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی معنای رکوع در آیه ولایت از منظر فریقین»، به روش تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین درباره معنای رکوع، نقل و نقد وارد کرده است.

هر چند در پژوهش‌های پیشین، آیه ولایت از منظر فریقین بررسی شده است، اما تاکنون در هیچ پژوهشی این آیه از منظر طبرسی و آلوسی با نگاهی تطبیقی بررسی و تدقیق نشده و این هدفی است که این پژوهش عهده‌دار آن است. در اهمیت دوچندان نظر این دو مفسر، شایان ذکر است که آلوسی از مفسرانی است که علاوه بر طرح شبهات مفسران قبل از خود، شبهات جدیدی را مطرح کرده است، تاجایی که در بین

مفسران، برخی شبهات این آیه، به «شبهه آلوسی» اشتها ر یافته و طبری جزء مفسرانی است که به اکثر شبهات آلوسی پاسخ جامع و کامل داده است.

۳- تبیین و بررسی شأن نزول آیه

سورة مائده به اتفاق نظر اهل حدیث و تاریخ، از آخرین سوره های مفصل است که در روزهای پایانی عمر شریف پیامبر (ص) بر ایشان نازل شده است. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۲۵۷/۵). از نگاه بسیاری از مفسران شیعه و اهل سنت این آیه زمانی نازل شد که علی بن ابی طالب (ع) در حال رکوع انگشتر خود را به فقیر بخشید (مفید، ۱۴۱۴: ۱۸۲/۱؛ طوسی، بی تا: ۵۵۸/۳؛ طبری، ۱۳۷۲: ۳۲۶/۳؛ حلی، ۱۴۰۷: ۳۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۱۸۷/۶؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۹۳/۲). درباره شأن نزول این آیه روایات متعددی از شیعه و اهل سنت نقل شده است، اما با توجه به این که پژوهش حاضر در پی بررسی تطبیقی دیدگاه طبری و آلوسی است، شأن نزول این آیه از نگاه این دو مفسر به دقت بررسی می شود. طبری آیه مذکور را یکی از روشن ترین دلایلی می داند که اثبات کننده امامت بلا فصل حضرت علی (ع) بعد از پیامبر اکرم (ص) است و در شأن نزول آیه روایتی از ابن عباس نقل می کند که وی از ابوذر غفاری نقل می کند که حضرت علی (ع) در مسجد پیامبر (ص) مشغول نماز بود، نیازمندی درخواست کمک کرد. سائل با اشاره امام (ع)، انگشتر را از دست حضرت بیرون آورد. پیامبر (ص) که شاهد ماجرا بودند در حق امام دعا کرد و این آیه نازل شد «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^۱ (طبری، ۱۳۷۲: ۳۲۵/۳).

۱. «النزول: قال بینا عبد الله بن عباس جالس علی شفیر زمزم یقول قال رسول الله (ص) إذ أقبل رجل متعمم بعمامة فجعل ابن عباس لا یقول قال رسول الله أ لا قال الرجل قال رسول الله فقال ابن عباس سألتک بالله من أنت فکشف العمامة عن وجهه و قال یا ایها الناس من عرفنی فقد عرفنی و من لم یعرفنی فأنا أعرفه بنفسی أنا»

آلوسی دو شأن نزول برای این آیه نقل می‌کند: نخست؛ به نقل از ابوبکر نقاش حدیثی از امام محمد باقر (ع) نقل می‌کند که منظور مهاجرین و انصار هستند و حضرت علی (ع) نیز یکی از مهاجرین است. در شأن نزول دوم، به نقل از جمعی از مفسران از عکرمه روایت کرده‌است که آیه ولایت در شأن ابوبکر نازل شده‌است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۳۵).

۴- دیدگاه طبرسی و آلوسی درباره «إِنَّمَا»

دیدگاه طبرسی درباره «إِنَّمَا» این است که این واژه حکم را به مابعد خود اختصاص می‌دهد و غیر آن را سلب و از دایره اختصاص خارج می‌کند، لذا در این آیه نمی‌توان ولی را به معنای دوست یا محبت دینی معنا کرد؛ زیرا اگر به این معنا باشد دلیلی ندارد تا آن را برای برخی از مؤمنان ثابت بدانیم و از برخی دیگر سلب کنیم؛ چراکه بدیهی است که دوستی برای همه مؤمنان است نه برخی از آن‌ها. چنانچه پروردگار می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (توبه/۷۱). و

جندب بن جنادة البدری أبو ذر الغفاری سمعت رسول الله (ص) بهاتین و إلا فصمتا و رأیت بهاتین و إلا فعمیتا يقول علی قائد البرة و قاتل الکفرة منصور من نصره مخذول من خذله أما إنی صلیت مع رسول الله (ص) یوما من الأيام صلاة الظهر فسأل سائل فی المسجد فلم یعطه أحد شیئا فرفع السائل یده إلى السماء و قال اللهم اشهد أنی سألت فی مسجد رسول الله فلم یعطنی أحد شیئا و کان علی راکعا فأومأ بخصره الیمنی الیه و کان یتختم فیها فأقبل السائل حتی أخذ الخاتم من خصره و ذلك بعین رسول الله (ص) فلما فرغ النبی (ص) من صلاته رفع رأسه إلى السماء و قال اللهم إن أخی موسی سألک فقال رب اشرح لی صدری و یسر لی أمری و اخلل عقدة من لسانی یفقهوا قوئی و اجعل لی وزیراً من أهلی هارون أخی اشد به أزری و أشکره فی أمری فأنزلت علیه قرآنا ناطقا «سَسَدُ عَضْدَکَ بِأَخِیکَ وَ نَجْعَلُ لَکُمَا سُلْطَاناً فَلَا یَصْلُونَ إِلَیکُمَا» اللهم و أنا « محمد نبیک و صفیک اللهم فاشرح لی صدری و یسر لی أمری و اجعل لی وزیراً من أهلی علیا اشد به ظهری قال أبو ذر فوالله ما استتم رسول الله الکلمة حتی نزل علیه جبرائیل من عند الله فقال یا محمد اقرأ قال و ما اقرأ قال اقرأ «إِنَّمَا وَلِیکُمُ اللّٰهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا».

تحلیل و اثبات امامت حضرت علی (ع) با نقد و بررسی تطبیقی آیه ۵۵ ... / جعفری ۳۴۵

درنهایت، این واژه را بر امام واجب‌الإطاعه و صاحب‌اختیار حمل می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۶).

آلوسی به استدلال شیعیان برای اثبات ولایت امیرالمؤمنین (ع) اشکال وارد می‌کند و می‌نویسد: «لازمة استدلال شیعیان بر اثبات ولایت و امامت علی (ع) نفی ولایت دیگران (ابوبکر، عمر، عثمان) و همچنین، نفی امامت حسنین (ع) و سایر ائمه است. به عبارت دیگر، اگر در آیه ولایت قائل به حصر حقیقی شدیم، این انحصار امامت و ولایت را از ابوبکر، عمر، عثمان، امام حسن، امام حسین و سایر ائمه نفی می‌کند» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۴۴).

طبق دیدگاه آلوسی اگر ولایت و حاکمیت به خداوند، پیامبر (ص) و امام علی (ع) منحصر باشد، در این صورت، علاوه بر این که ولایت و حاکمیت خلفا نفی می‌شود، امامت یازده امام شیعیان نیز نفی خواهد شد و این استدلال به ضرر شیعیان است. دلیل آلوسی بر نفی دلالت آیه در شأن امیرالمؤمنین (ع) روایت امام محمد باقر (ع) است که فرمود: آیه ولایت در شأن مهاجران و انصار نازل شده است. از امام پرسیده شده ما شنیده‌ایم این آیه در شأن علی (ع) نازل شده است. امام فرمود: علی (ع) از جمله آنها است. آلوسی می‌گوید: «طبق این روایت، نزول آیه در شأن مهاجرین و انصار با صیغه جمع در آیه موافقت بیشتری دارد» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۳۵).

۵- دیدگاه طبرسی و آلوسی درباره معنای ولی

در معنای این واژه اختلاف نظر وجود دارد؛ از نظر لغوی بعضی معتقدند که ولایت به معنای «فراهم آمدن دو چیز یا بیشتر است به گونه‌ای که بین آن دو، چیزی که از جنس آنها نباشد، یافت نشود». (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۸۸۵). برخی مثل زمخشری

هم معتقدند که برای ولایت دو معنای حقیقی وجود دارد که عبارت است از: الف) بیای و نزدیک بودن. ب) دارای حق تصرف و سرپرستی در کاری یا چیزی (زمخشری، ۱۹۷۹: ۶۸۹). به طور کلی از مجموع کتب لغت چنین به دست می آید که ولایت دارای دو معنای سرپرستی و نزدیک بودن است.

در اصطلاح نیز مفسران برای معنای ولایت در سیاق آیه ۵۵ سورة مائده سه معنا درانداخته اند؛ برخی مفسران اهل سنت ولایت را به معنای دوستی گرفته اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۲۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۴/۳۳۰). برخی نیز ولایت را به معنای سرپرستی امور جامعه دانسته اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۷؛ طوسی، بی تا: ۳/۵۵۹؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳/۸۲؛ مصطفوی، ۱۳۸۰: ۷/۱۲۵). گروهی هم این واژه را به معنای نصرت و یاری معنا کرده اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۲۴؛ زحیلی، ۱۴۲۲: ۱/۴۷۴).

اما از آنجایی که پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه طبرسی و آلوسی می پردازد، در این بخش دیدگاه این دو مفسر بررسی و تحلیل می شود:

طبرسی ولی را به معنای سرپرست می داند و برای اثبات آن می گوید:

کلمة «إنما»، حکم را به مابعد خود اختصاص می دهد و از غیر آن سلب می کند. هرگاه بگویند: «إنما الفصاحه للجاهلیه» مقصود این است که فصاحت، اختصاص به دوران جاهلیت داشته و دوران های دیگر را از آن بهره ای نیست. و هرگاه این کلمه، دارای چنین معنایی باشد، نمی توانیم ولی را به معنای دوست و هدف آیه را دوستی و محبت دینی بدانیم؛ زیرا این معنی خصوصیتی ندارد تا آن را برای برخی از مؤمنان ثابت و از برخی سلب کنیم. بدیهی است که دوستی و محبت دینی برای همه مؤمنان است نه برخی از آنها. خداوند متعال می فرماید: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض» یعنی زنان و مردان مؤمن، دوست یکدیگرند (توبه، آیه ۷۱). بنابراین، نمی توان

تحلیل و اثبات امامت حضرت علی (ع) با نقد و بررسی تطبیقی آیه ۵۵ ... / جعفری ۳۴۷

آیه را بر این معنی حمل کرد و چاره‌ای نداریم جز این‌که ولی را به معنای سرپرست حمل کنیم؛ یعنی امام واجب‌الإطاعة و صاحب‌اختیار؛ زیرا برای لفظ ولی بیشتر از دو معنی نیست. هرگاه یکی از دو معنی محال باشد، دیگری محقق خواهد بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۶).

آلوسی ولی را به معنای یاری‌کننده می‌داند و مهم‌ترین دلیل خود را چنین بیان می‌کند: «ملحق نمودن این آیه به آیات قبل، امری طبیعی به نظر می‌رسد، البته برای کسی که خداوند چشم بصیرت او را گشوده است و هر انسان منصفی می‌داند که سخن خداوند بعد از این آیه یعنی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (سورة مائده، آیه ۵۷). ای اهل ایمان، با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به فسوس و بازیچه گرفتند، دوستی نکنید و از خدا بترسید اگر به او ایمان آورده‌اید. حمل واژه ولی بر امام را نمی‌پذیرد؛ چراکه هیچ‌کس یهود و نصارا و کفار را و نیز برخی از آنان، برخی دیگر را امام خود انتخاب نکرده‌اند؛ بلکه به عنوان یاوران و دوستان برگزیده‌اند» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۳۵). بنابراین آلوسی ولی را به معنای یاری‌کننده تفسیر کرده و هم‌چنان‌که در مطالب قبلی ذکر شد، وی سیاق این کلام را در تحکیم و دلجویی قلب‌های مؤمنان و از بین بردن ترس آنان در مقابل مرتدان دانسته است و همین سیاق را مهم‌ترین قرینه برای اثبات ادعای خود می‌داند (همان).

۶- دیدگاه طبرسی و آلوسی درباره معنای رکوع

رکوع یکی دیگر از موارد اختلاف میان طبرسی و آلوسی است. اکثر مفسران شیعه، راکعون را به معنای حقیقی و ظاهری آن دانسته‌اند. مثلاً شیخ طوسی می‌نویسد: «روشن

است که مقصود آیه شریفه این است که: آن مؤمنی که آیه شریفه وصفش را بیان می‌کند، در حال رکوع زکات داده‌است، و همه امت اسلام اتفاق نظر دارند که جز امیرالمؤمنین کسی در حال رکوع زکات به فقیر نداده‌است» (طوسی، بی‌تا: ۵۶۱/۳). طبرسی نیز ضمن یادآوری این نکته که گاهی به خاطر خاضع بودن فرد از روی مجاز و تشبیه به راکع وصف می‌کنند، معنای اصلی رکوع را سر پایین آوردن دانسته‌است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۳). سپس با استدلال عقلی از انحصار ولایت مؤمنان مورد اشاره آیه به حضرت علی (ع) و از تفسیر رکوع به خم شدن دفاع کرده و تفسیر راکعون به نماز را موجب تکرار دانسته‌است.

وی درباره این‌که «و هم راکعون» نه به معنای حال از دادن زکات؛ بلکه عادت آن‌ها رکوع است، می‌گوید: «در جملة «یقیمون الصلاة» رکوع نیز وجود دارد؛ زیرا نماز بدون رکوع نمی‌شود. بنابراین، اگر جملة «و هم راکعون» را قید برای عمل زکات دادن، نگیریم و بگوییم مقصود این است که صفت و عادت آن‌ها رکوع است، مطلب را بدون داشتن فایده‌ای تکرار کرده‌ایم. بدیهی‌است که تفسیری که دارای فایده‌ای باشد از تفسیری که فایده‌ای ندارد، برتر است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۲۶).

اما برای بررسی نظر آلوسی درباره رکوع، لازم است تا ابتدا معانی رکوع از منظر اهل سنت بیان شود. آنان برای رکوع پنج معنای زیر ذکر کرده‌اند: ۱. رکوع در نماز (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱/۶۴۹). ۲. نماز (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲/۲۰۹). ۳. خضوع (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۲/۳۸۲؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۱۲۷). ۴. نماز مستحبی (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵/۱۳۸). ۵. ایمان (مراغی، ۱۴۲۰: ۶/۱۴۴). آلوسی معنای سوم؛ یعنی خضوع را ترجیح داده و در این باره می‌نویسد: «آیه در مورد این‌که صدقه، در حال رکوع نماز واقع شده نص و تصریح‌کننده نیست؛ زیرا جایز است رکوع به معنای خشوع و فروتنی

باشد، نه به معنای معروف در عرف اهل شرع و گاهی به همین معنا در قرآن نیز به کار برده شده است، هم چنان که خداوند فرمود: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ». (آل عمران / آیه ۴۳). زیرا در نماز شریعت هایی که پیش از ما بودند رکوع به اجماع، یکی از ارکان نماز نبوده است و هم چنین قول خداوند که فرمود: «وخر راکعاً» (سورة ص، آیه ۲۴). و «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» (سورة مرسلات، آیه ۴۸). و حمل رکوع در آیه بر غیر معنای شرعی بعیدتر از حمل زکات مقرون به نماز بر صدقه نیست» (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳/۳۳۶).

جدول مقایسه تطبیقی دیدگاه طبرسی و آلوسی

واژگان	طبرسی	آلوسی
إنما	حکم را به مابعد خود اختصاص می دهد و غیر از آن را سلب می کند.	دارای حصر نیست و عموم را شامل می شود.
ولی	به معنای سرپرست است.	به معنای یاری کننده است.
رکوع	به معنای واقعی یعنی همان رکوع در نماز است.	جایز است که رکوع به معنای خشوع و فروتنی باشد، نه به معنای معروف در عرف اهل شرع.

۷- بررسی و ارزیابی دیدگاه طبرسی و آلوسی

طبق آنچه بیان شد؛ نظر دو مفسر درباره شأن نزول آیه متفاوت است. چنان که طبرسی شأن نزول آیه را مربوط به حضرت علی (ع) دانسته است و از نظر آلوسی إنما دارای حصر نیست و عموم را شامل می شود. از طرفی، طبرسی ولی را به معنای سرپرست و آلوسی به معنای دوست و یاور به کار برده است. هم چنین، رکوع در تفسیر طبرسی معنای حقیقی دارد و در دیدگاه آلوسی رکوع به معنای خضوع به کار رفته است.

در ارزیابی دو دیدگاه ابتدا معنی ولی و سپس، رکوع بررسی می‌شود:

در تعریف ولایت، به معانی ولی از منظر لغت‌شناسان اشاره شد. در کلام خلفا نیز ولی دارای کاربرد سرپرست بوده است. دینوری می‌نویسد: ابوبکر بعد از به خلافت رسیدن در یک سخنرانی گفت: «ان الله بعث محمداً نبیا و للمؤمنین ولیاً... فاخترونی علیهم والیا...». خداوند محمد (ص) را به‌عنوان پیامبر و سرپرست و پیشوای مؤمنان فرستاد... پس مرا به سرپرستی برگزیدند (دینوری، بی‌تا: ۲۱/۱).

هم‌چنین، درباره عمر آمده است: «فَلَمَّا تُوْفِيَ رَسُولُ اللَّهِ قَالَ أَبُو بَكْرٍ: أَنَا وَلِيُّ رَسُولٍ ... ثُمَّ تُوْفِيَ أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَلِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَ وَلِيُّ ابْنِ بَكْرٍ». (نیشابوری، بی‌تا: ۱۳۷۷/۳).

پس از وفات رسول خدا (ص) ابوبکر گفت: من جانشین رسول خدا هستم... پس از مرگ ابوبکر، من جانشین پیامبر و ابوبکر شدم.

قدر جامع معانی بیان‌شده از ولی در کتب لغت و کلام خلفا، سرپرستی است؛ زیرا کسی که عهده‌دار جامعه‌ای باشد، حتماً دوستدار افراد آن جامعه نیز خواهد بود، از همین رو، خلفا برای اعلام حکومت خود از این واژه استفاده می‌کردند که مردم آن زمان از کلمه ولی، رهبری به ذهنشان خطور کرده است. در خود آیه نیز شواهدی وجود دارد که دال بر تأیید نظر طبرسی است، از جمله:

- برخلاف نظر آلوسی واژه «إنما» حصر حقیقی و مطلق را دربرمی‌گیرد، به این معنا که ولی شما خدا است و چون ولایت محبت و نصرت عام است و مختص خداوند نیست، بنابراین مراد از ولایت نیز ولایت خاص یعنی سرپرستی است، نه ولایت عام. زیرا طبق آیاتی از قرآن مانند «المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء» (توبه/۷۱). عمومی است و همه مؤمنان را دربرمی‌گیرد و مخصوص پیامبر (ص) و گروه خاص از مؤمنان نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۴۲۹؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۵/۲۳).

– آنچه از آیه به ذهن تبادر می‌شود، ولایت یک‌سوی است نه متقابل و دوسویه بین «انما ولیکم» که مفاد آن ولایت یک‌سویه است و بین «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء». که دارای تعبیر از ولایت دوسویه؛ یعنی محبت است، فرق اساسی وجود دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

– در آیه بعد از آیه ولایت «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ». (مائده، ۵۶) عبارت حزب آمده‌است که به معنای پیروزی در یک حرکت اجتماعی است. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که ولایت مطرح شده در آیه، ولایت حکومتی است و معنای آیه چنین می‌شود: «کسی که حکومت خدا و پیامبر و حکومت کسانی که ایمان آورده‌اند و... را بپذیرد، چنین حزب و جمعیتی پیروز است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۸۱).

– خداوند که دارای ولایت بالاستقلال است، برای پیامبر و مؤمنان خاص ولایت را جعل کرده و همان‌طور که خودش ولی و سرپرست است، پیامبر و مؤمنان خاص نیز ولی و سرپرست و افراد دیگر را فرمانبر قرار داده‌است که بایدگفت چنین ولایتی معنای نصرت و محبت دربر ندارد؛ زیرا خصوصیت ویژه‌ای در پیامبر و مؤمنان خاص وجود نداشته‌است تا خداوند آن‌ها را دوستدار و یاری‌کننده قرار دهد، بنابراین همان‌گونه که خداوند داخل در مخاطبان (کم) قرار ندارد، پیامبر و مؤمنان خاص نیز در آن داخل نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۶/۲۳).

هم‌چنین آلوسی معتقد است که اگر ولی دارای انحصار باشد، ولایت از سایر ائمه نفی می‌شود که در پاسخ بایدگفت: یکی از مباحث مهم علم فقه، بحث عام و خاص است؛ یعنی چنانچه گوینده‌ای جمله‌ای با مفاد عام بیان کند و بعداً در جمله‌ای دیگر بگوید مفاد خاص بوده‌است، جمله عام به وسیله خاص تخصیص می‌خورد و بیان

می‌شود که از همان اول مقصود اصلی گوینده عام نبوده؛ بلکه همین خاص هدف است و بین دو جمله رفع تنافی می‌شود. این مسأله در قرآن کریم نیز صدق می‌کند. مثلاً مفاد آیه... «خلق لکم فی الارض جمیعاً» (بقره/۲۹). حلال بودن تصرف است در تمامی آنچه بر روی زمین است که به وسیله آیه «حرمت علیکم المیتة و الدم لحم الخنزیر». (مائده/۳). از عناوین حلیت تصرف خارج شده است. حال پرسش این است که آیا می‌توان با خبری واحد عمومیات قرآن را که قرینه قطعی بر صدور آن وجود ندارد، ولی از حجیت برخوردار بوده و اعتبار آن دلیل اقامه شده است، تخصیص زد؟ که اکثر علمای اصول معتقدند که با اخبار واحد می‌توان عموم قرآنی را تخصیص زد (غزالی، بی تا: ۲۴۹؛ فخررازی، ۱۴۱۸: ۸۵/۳؛ فیاض، بی تا: ۹/ ۳۱۵). به طور کلی از قضیه خاص و عام برمی‌آید که در صورت عام بودن مفهوم یک آیه، تخصیص آن با خبر متواتر خاص جایز است.

با این مقدمه، در جواب اشکال آلوسی باید گفت: اولاً آیه ناظر به دوران‌های بعد نیست؛ زیرا سرپرستی و حاکمیت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) به همه زمان‌ها مربوط نیست و حاکمیت زمان خود آن‌ها را شامل می‌شود. به این معنا که در زمان نزول آیه، ولایت انحصار در ولایت پروردگار، رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است و دیگر افراد صلاحیت و شایستگی حاکمیت بر مردم را ندارند؛ بنابراین، آیه زمان بعدی از حضرت علی (ع) را شامل نمی‌شود تا با امامت سایر ائمه منافات داشته باشد. ثانیاً: حتی اگر آیه ناظر به زمان‌های بعد باشد، باز هم منافاتی با ولایت سایر ائمه ندارد، زیرا کلمه إنما، به دلالت مطابقی بر انحصار حاکمیت خدا، پیامبر (ص) و علی (ع) و به دلالت التزامی، بر نفی حاکمیت از غیر آن‌ها (سایر ائمه و افراد دیگر) دلالت دارد. بنابراین، مفهوم آیه عام است و سایر ائمه و افراد دیگر را دربرمی‌گیرد (ابراهیمی راد، ۱۳۸۴: ۱۰).

بنابراین، روایاتی که به عنوان خبر متواتر یا اخبار واحد معتبر بر امامت سایر ائمه دلالت دارد، خاص است و اثبات کننده امامت سایر امامان شیعه است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۳/۳۶؛ قندوزی، ۱۴۱۶: ۳۱۹/۲). بر این اساس، طبق آیه ولایت انحصار امامت از دیگران نفی می شود و روایات اثبات کننده امامت سایر ائمه منافاتی با مفهوم آیه ولایت ندارد، زیرا نسبت روایات با آیه عام و خاص است و با تخصیص قابل جمع هستند.

از دیگر موارد اختلاف میان طبرسی و آلوسی، واژه رکوع است و گفتیم که آلوسی رکوع را به معنای خضوع به کار برده است و طبرسی به معنای واقعی؛ یعنی همان رکوع در نماز. برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب، لازم است که معنای رکوع بررسی شود. از نظر ابن درید: «راکع کسی است که بر روی صورتش به زمین بیفتد و از این باب رکوع در نماز «رکعه» گودال در زمین را گویند» (ابن درید، ۱۹۸۷: ۷۷۰/۲). فراهیدی می نویسد: «هر چیزی که به صورت پایین آید، همین که سر فرود آورد، چه زانوهایش به زمین برسد یا نرسد، رکوع کرده است» (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۰۰/۱). هم چنین ابن فارس شخصی که خم و دولا شود را رکع الرجل می گوید (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۳۴/۲).

به طور کلی از این تعاریف چنین به دست می آید که کلمه رکوع و مشتقاتش به معنای خم شدن و پایین آوردن سر، خضوع و فروتنی است. در قرآن کریم نیز ۱۳ بار واژه رکوع و مشتقاتش به کار رفته است. در آیه ۴۸ سوره مرسلات آمده است: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ». هر چند مفسران، رکوع را در آیه مذکور به معانی مختلفی از جمله رکوع در نماز به کار برده اند، ولی با توجه به سیاق و زمان نزول آیه، معنی تواضع و خضوع ترجیح داده می شود، زیرا در سال های اولیه اسلام نماز واجب نبوده و تقریباً در سال دهم بعثت واجب شده است (طیب حسینی و خادم زاده یگانه، ۱۳۹۹: ۱۱).

در هشت آیه مدنی از جمله: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره/۴۳). مقصود از رکوع، همان رکوع شرعی در نماز است؛ زیرا از سیاق آیه برمی آید که خطاب آیه به بنی اسرائیل است و از آنجایی که یهودیان در نمازشان رکوع به جا نمی آورند، به آنان امر شده که با رکوع کنندگان مسلمان رکوع انجام دهند (زمخشری، ۱۳۷۲: ۲۱۴/۱). هرچند معانی دیگری از رکوع در آیه به دست می آید، ولی معنای رکوع شرعی در نماز ترجیح داده می شود و طبق اجماع فقها اگر مأوم رکوع امام جماعت را درک کند، یک رکعت از نماز را درک کرده است (طیب حسینی و خادم زاده یگانه، ۱۳۹۹: ۱۲).

هم چنین در آیاتی مانند: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (آل عمران/۴۳)، «وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (حج/۲۶). «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا». (فتح/۲۷).

رکوع در کنار سجده آمده است که نشان از آن دارد که رکوع در آیات همان رکوع شرعی است. بنابراین، باید گفت که رکوع در دوران مدینه دچار تحول معنایی شده و از خضوع و تسلیم به معنای حقیقی تحول یافته است. درباره آیه ولایت نیز باید گفت که به چند دلیل معنای ظاهری ترجیح داده می شود:

الف. تحول رکوع در دوره مدینه می تواند قرینه ای باشد تا زمانی که در یک مورد دچار شک شدیم، مناسب است که آن یک مورد را نیز با توجه به سایر آیات مدنی که مراد از رکوع در آن ها، رکوع ظاهری است تفسیر کنیم.

ب. تفسیر رکوع به معنای رکوع ظاهری با معنای ایمان و خضوع نیز قابل جمع است، زیرا فردی که زکات را در حالت رکوع پردازد، دارای خضوع نیز است، ولی لازم نیست که زکات در حالت خضوع و ایمان با رکوع نماز همراه باشد.

ج. بیشتر مفسران فریقین رکوع در آیه را به معنای ظاهری بیان کرده‌اند، ولی تفسیر رکوع به معنای خضوع منهای رکوع ظاهری را گروهی از مفسران متقدم انکار کرده‌اند. (طیب حسینی و خادم‌زاده یگانه، ۱۳۹۹: ۱۳).

۸- نتیجه

پژوهش حاضر با بررسی مطالعه تطبیقی آیه ولایت از منظر طبرسی و آلوسی انجام گرفت. مقایسه دیدگاه‌ها نشان داد که از منظر طبرسی آیه در شأن حضرت علی (ع) نازل شده‌است و آلوسی نظری خلاف طبرسی داشته و شأن آیه را برای قوت و زدودن ترس از دل مؤمنان در مقابل مرتدان بیان کرده‌است. همچنین، معانی ولی و رکوع نیز از منظر آن دو بررسی شد. طبرسی ولی را به معنای سرپرست و حاکم و آلوسی به معنای یاور دانسته و در نهایت، طبرسی رکوع را به معنای واقعی؛ یعنی رکوع در نماز و آلوسی به معنای تواضع به کار برده‌است، که با ارزیابی دو دیدگاه به این نتیجه رسیدیم که باتوجه به معنای ولی در فرهنگ‌های عربی و مردم عصر نزول، واژه مذکور معنای سرپرست دارد و از آنجایی که از منظر آلوسی «إنما» حصر مطلق را دربر نمی‌گیرد، باتوجه به دیدگاه مفسران شیعه به شبهه مذکور جواب داده شد؛ مثلاً چنانچه ولایت عام باشد و معنی محبت بدهد دیگر خداوند را در بر نمی‌گیرد و همه را شامل می‌شود.

سرانجام به ارزیابی رکوع پرداخته شد و این که رکوع دچار تحول معنایی شده و در آیاتی که در مدینه نازل شده رکوع در کنار سجده به کار رفته‌است و می‌توان گفت اگر قرینه‌ای وجود نداشته باشد که رکوع چه معنایی دارد، با استفاده از آیات مذکور می‌توان رکوع را به معنای واقعی به کار برد. به طور کلی باید گفت که بدون هرگونه تعصب، دیدگاه طبرسی به حقیقت نزدیک‌تر است و ایرادهایی که آلوسی وارد کرده

دارای پاسخی روشن و مستدل است که در پژوهش حاضر از میان تمام پاسخ‌ها، به صورت اجمالی صرفاً و متناسب با موضوع به چند مورد اکتفا شد. بنابراین، باید گفت که امامت سایر ائمه با استدلال آلوسی نفی نمی‌شود، زیرا روایات مورد قبول شیعه، مفهوم عام آیه ولایت را تخصیص می‌زند و امامت ائمه را اثبات می‌کند.

کتابنامه

ابراهیمی‌راد، محمد، (۱۳۸۶)، «نقد شبهة آلوسی بر امامت ائمه (ع) در آیه ولایت»، مقالات و بررسی‌ها، ۱۳۸۶، شماره ۸۴، ص ۱۲-۱.

ابن درید، محمد بن حسن، (۱۹۸۷)، *جمهرة اللغة*. بیروت، دارالعلم للملایین.
ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۹۰)، *مناقب آل ابی طالب*، قم، المکتبه الحیدریه.
ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴)، *معجم مقیاس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، (۱۴۱۹)، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲)، *المحرز الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۰)، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۰۷)، *کشف المراد*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
حویزی، عبد علی، (بی تا)، *تفسیر نورالثقلین*، تهران، دارالکتب العلمیه.
دینوری، ابن قتیبه، (بی تا)، *الامامة و السياسة - تاریخ الخلفاء*، بی جا، مؤسسه الحلبي و شرکاه.
رازی، ابوالفتوح، (۱۳۷۵)، *روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بی جا، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۹۹۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دارالعلم.

زخیلی، وهبه بن مصطفی، (۱۴۲۲)، تفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر.

زمخشری، محمود بن عمر، (۱۹۷۹)، أساس البلاغه، بیروت، دارالصادر.

سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان، تهران، ناصرخسرو.

طبری، محمدبن جریر، (۱۴۱۲)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالمعرفه.

طوسی، محمد بن حسن، (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، جلد ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

طیب‌حسینی، محمود و خادم‌زاده یگانه، هاجر، (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی آیه ولایت ازمنظر آلوسی و علامه طباطبائی»، مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، سال هشتم، شماره ۱۴، ص ۳۱-۷.

غزالی، محمد، (بی‌تا)، المستصفی فی علم الاصول، بیروت، دارالکتب العلمیه.

فخررازی، محمد بن عمر، (۱۳۷۵)، مجمع‌البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، کتاب‌العین، قم، هجرت.

فیاض، محمداسحاق، (بی‌تا)، محاضرات فی اصول فقه، بی‌جا، امام موسی صدر.

قندوزی، سلیمان، (۱۴۱۶)، ینابیع الموده لذوی القربی، چاپ اول، بی‌جا، دارالاسوه.

گروه نویسندگان، (۲۰۰۴)، المعجم‌الوسیط، مصر، مکتبه الشروق الدولیه.

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه وفا.

مراغی، احمد مصطفی، (بی‌تا)، تفسیر المراغی، بیروت، دارالفکر.

مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴)، تفسیر الکاشف، جلد ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۴)، تفسیر القرآن المجید، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

_____، (۱۳۸۷)، آیات ولایت در قرآن، قم، نسل جوان.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی‌تا)، صحیح مسلم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.

Bibliography

- Ebrahimirad, Mohammad (1385), "Criticism of Alousi's doubt on the Imamate of Imams (AS) in the verse of Wilayat", Essays and Reviews, No. 84, pp. 1-12 [In Persian]
- Ibn Darid, Muhammad bin Hassan (1987 AD), Jamrah Al-Lagheh. Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. [In Arabic]
- Ibn Shahrashob, Muhammad ibn Ali (2010), Manaqib Al Abi Talib, Qom: Al-Maktabeh Al-Haydriya. [In Arabic]
- Ibn Faris, Ahmad (1404 AH), The Dictionary of Language Scale, Qom: School of Islamic Studies. [In Arabic]
- Ibn Kathir Damascus, Ismail (1419), Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Alousi, Seyed Mahmoud (1415 AH), Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azeem and al-Saba al-Mathani, Beirut: Dar al-Kitab al-Ulamiya. [In Arabic]
- Ibn Attiyah Andalusi, Abdul Haq bin Ghalib (1422 AH), Al-Mahrez al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Beirut: Dar al-Kitab Al-Alamiya. [In Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah (1390), Interpretation of Tasnim. Qom: Israa [In Persian]
- Hawizi, Abd Ali (Beta), Tafsir Noor al-Saqlain, Tehran: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Dinouri, Ibn Qutiba (Beta), Al-Imamah and Al-Siyasah - History of the Caliphs. Biju: Al-Halabi Institute and Partners. [In Arabic]
- Rad, Mohammad Ebrahimi. (1386), Alousi's criticism of the Imamate of Imams (AS) in the verse of Wilayat. Articles and reviews (not published), 40(3) [In Persian]
- Razi, Abul Fattouh (1375 AH), Rooh al-Janan fi Tafsir al-Qur'an, Bija: Islamic Research Foundation [In Persian]
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (1992 AD), Vocabulary words of the Qur'an. Beirut: Darul Alam. [In Arabic]
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar (1979 AD), Asas al-Balagha, Beirut: Dar al-Sadr. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372), Majmall Bayan, Tehran: Nasser Khosro. [In Arabic]
- Tayeb Hosseini, Mahmoud, Khademzade Yeganeh, Hajar, (2019), A comparative study of the Velayat verse from the perspective of Alousi and Allameh Tabatabai, Comparative Studies of the Qur'an and Hadith, No. 14 [In Persian]
- Ghazali, Mohammad (Beta), Al-Mustafafi fi 'Ilam al-Asul, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [In Arabic]
- Fakhrazi, Mohammad bin Omar (1375), Majmaul Bahrin, Tehran: Mortazavi bookstore. [In Arabic]
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1410), Kitab al-Ain, Qom: Hijrat. [In Arabic]

Fayaz, Mohammad Ishaq (Beta), Lectures on the principles of jurisprudence, Bibai: Imam Musa Sadr. [In Arabic]

Authors group, (2004), Al-Mu'ajm al-Wasit, Egypt: Maktaba al-Sharrouk al-Dawliyya. [In Arabic]

Maraghi, Ahmad Mustafa (Beta), Tafsir al-Maraghi, Beirut: Dar al-Fakr. [In Arabic]

Makarem Shirazi, Nasser (1374), Tafsir al-Nashon, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya [In Persian]

_____, (1387), The verses of Wilayat in the Qur'an, Qom: Young generation [In Persian]

Nishaburi, Muslim to Hajjaj (Beta), Sahih Muslim, Beirut: Dar al-Hiya al-Tarath al-Arabi. [In Arabic]





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی